

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۱۰ جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۹۲،  
۲۱ ژوئن ۲۰۱۳ - ۱۰ صفحه

## بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره نتایج انتخابات ۹۲

صفحه ۴

## کنگره جهانی علیه اعدام در مادرید

صفحه ۵

مینا احدی

## زنان ایران و رئیس جمهور جدید

صفحه ۶

زهره صفایی

## پژواک قدرت جنبش رهایی زن در صفوف حکومت

صفحه ۷

شهلا دانشفر

## خیابانهای برزیل در اشغال مردم

صفحه ۱۲

## در سالروز ۳۰ خرداد

صفحه ۹

## انتخاب روحانی و پیامدهای آن

### مصاحبه با حمید تقوایی

انترناسیونال: حسن روحانی  
بعنوان رئیس جمهور برگزیده شد و  
قرار است که در چهار سال آینده  
اداره امور ایران را در دست بگیرد.  
رادپو بی بی سی این انتخابات را  
پیروزی عقلگرایی بر آرمانگرایی  
نامید و بخشی از اپوزیسیون ملی  
- اسلامی نیز آنرا نشانه کمتر  
شدن شکاف بین رژیم و مردم  
قلمداد کرد. نظر شما در باره این  
انتخابات چیست؟

حمید تقوایی: بکار بردن  
صفات نظیر عقلگرایی و  
آرمانگرایی برای داوردهسته های  
حکومتی جمهوری اسلامی بیش  
از آنکه بیانگر واقعیتی باشد  
نشانه بی بضاعتی عقلی و آرمانی  
گویندگان آنست. مردم - حتی  
همانهایی که رای دادند- از این  
انتخابات بعنوان تاکتیکی برای

عقب راندن خامنه ای و خط و  
جناح ولی فقیه- یعنی در واقع  
خط مسلط و اساس و محور  
جمهوری اسلامی - تضعیف  
بیشتر رژیم استفاده کردند. دقیقا  
شبیه آنچه در انتخابات دوره  
خاتمی اتفاق افتاد. با این تفاوت  
که این بار تعداد رای دهندگان  
بسیار کمتر و خط اصلاحات  
بسیار افشا شده تر و منزوی تر  
بود. این را با هیچ شعبده بازی ای  
نمیشود به حساب خط اصلاحات و  
یا کمتر شدن شکاف بین مردم و  
نظام نوشت. این نوع تفسیر و  
تعبیرها از جانب نیروهای ملی -  
اسلامی و یا رسانه هائی نظیر بی  
بی سی - که عملا مانند ارگان  
سیاسی خط استحاله عمل میکنند  
- ربطی به واقعیات تحولات  
سیاسی در ایران ندارد. این  
انتخابات اگر نشانه چیزی بود  
نارضانی و اعتراض مردم به وضع  
موجود را منعکس کرد و نه تایید



حکومت و یا کم شدن شکاف بین  
مردم و نظام را. کما اینکه  
بلافاصله بعد از پایان انتخابات  
شاهد بودیم که تجمعات مردم در  
تهران و بسیاری از شهرهای دیگر  
به بهانه انتخاب روحانی و یا  
پیروزی در مسابقه فوتبالی با  
شعارهای تعرضی علیه گشت  
ارشاد و "حجاب زوری" و پروژه  
هسته ای و خواست آزادی زندانیان  
سیاسی و غیره شکل گرفت. این  
اولین تحرك اعتراضی و یا در  
واقع استفاده مردم از فضای

ادامه صفحه ۲

## مراسم ۲۰ ژوئن، روز حمایت از زندانیان سیاسی در شهرهای مختلف برگزار شد

صفحه ۸



## انتخاب روحانی و پیامدهای آن

### مصاحبه با حمید تقوایی

از صفحه ۱

ای را انتخابات قلمداد کردن توهین به شعور مردم است.

یک حزب و نیروی سیاسی انقلابی و آزادیخواه و مدافع مردم موظف است این حقایق را بمردم بگوید و مردم را به برهم زدن کل این بساط فرابخواند. مردم - حتی همانها که رای دادند - در یک "انتخابات" شرکت نکردند، بلکه بقول منصور حکمت در مصاحبه اش در پی انتخاب خاتمی، "در یک زورآزمایی تاکتیکی با رژیم شرکت کردند تا آنرا تعدیل و از آن مهمتر بی ثبات و تضعیف کنند." البته با توجه به اینکه امروز در مقایسه با شانزده سال قبل توهم مردم به تعدیل رژیم بسیار کمتر و خواست و تمایلشان به تضعیف و بی ثبات کردن آن بمراتب قویتر و بیشتر شده است. این حرکت مردم تاکید بیشتری بر حقانیت موضع ما مبنی بر خراب کردن مضحکه انتخابات بر سر رژیم است. هم انتخابات ۸۸ آواری بر سر حکومت شد و هم این انتخابات رژیم را در برابر تعرض مردم ضعیف تر کرده و در موقعیت دفاعی تری قرار داده است.

یک خصوصیت سیاسی جمهوری اسلامی اینست که نتیجه انتخابات هر چه باشد و هر که را بعنوان رئیس جمهور از صندوق بیرون بیاورند ولی فقیه و بقول خودشان عمود خیمه نظام سر جای خودش هست و نظام جمهوری اسلامی، آن هم نه فقط به شکل نمادین و سمبولیک، بلکه از نظر خط و سیاست و جهت گیری غالب در حکومت، بوسیله ولی فقیه نمایندگی میشود. ازین نقطه نظر انتخابات در جمهوری اسلامی بر

سیاسی بعد از انتخابات بود و بی شک در آینده شاهد شکل گرفتن اعتراضات بیشتری خواهیم بود.

انترناسیونال: کمتر کسی به آمار و ارقام ارائه شده از طرف جمهوری اسلامی و منجمله آمار رای دهندگان، اعتماد دارد. اما به هر حال تعدادی از مردم در این انتخابات شرکت نمودند، آیا این به معنی اشتباه بودن موضع تحریم و عدم شرکت در انتخابات نیست؟ آیا حزب نمی باید رای دهی تاکتیکی برای تضعیف حکومت را توصیه میکرد؟

حمید تقوایی: موضع حزب در این انتخابات و کلیه انتخاباتهای جمهوری اسلامی صرفا تحریم و عدم شرکت نیست، بلکه نقد و افشای آن بعنوان یک مضحکه و معرکه سیاسی حکومت است که به آرای مردم و انتخابات، حتی با ابتدائی ترین استانداردها، کمترین ربطی ندارد. در جامعه ای که از کمترین آزادیهای سیاسی خبری نیست، کوچکترین نقد و اعتراضی با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ میگیرد، نیمی از جامعه یعنی زنان قانونا و رسما حق کاندید شدن ندارند، و تنها مشتتی از خودی ترین مقامات رژیم آنها بعد از گذشتن از فیلتر شورای نگهبان و تایید فقیه و غیره بعنوان کاندید بمردم معرفی میشوند، انتخابات کلا بی معنی است، حتی اگر صندوقسازی و تقلبی صورت نگیرد و حتی اگر اکثریت مردم هم در آن شرکت کنند. چنین مضحکه

## این انتخابات اگر نشانه چیزی بود نارضائی و اعتراض مردم به وضع موجود را منعکس کرد و نه تایید حکومت و یا کم شدن شکاف بین مردم و نظام را

است و خامنه ای اجازه نمی دهد که باند مخالف او زمام امور اجرایی را در دست بگیرد. چرا این مهندسی انتخابات تا انتخاب یکی از اصولگرایان نظیر جلیلی و یا قالیباف ادامه نیافت؟ آیا این یک عقب نشینی برای ولی فقیه بود و یا آنطور که گروهی از اصلاح طلبان ادعا میکنند نزدیک شدن خامنه ای به خواست مردم؟

حمید تقوایی: به نظر من خامنه ای و جناح اصولگرا در میان باندهای حکومتی به هیچ وجه آن قدرت و سلطه را نداشتند که نسبت آرا - با اختلاف فاحشی که بین رای روحانی و بقیه بود - را به نفع کاندیدهای خود تغییر بدهند، بلکه تنها به بالابردن حجم آرا، که مورد توافق همه جناحها هست، بسنده کردند. کلا ولی فقیه در میان باندهای حکومتی و حتی در نزد اصولگرایان هم - که خودشان به چند شاخه تقسیم شده اند - آن اتوریته را ندارد که قادر به چنین مانورهایی باشد. تصور میکردند با رد کردن صلاحیت رفسنجانی و مشائی پیروزی کاندیدهای اصولگرا تضمین شده است اما وقتی روحانی از همان موضع سنتی رفسنجانی مبنی بر اعتدال و مقابله با افراطی گری - و با زبان و تعرضی تند تر از او - بمیدان آمد و رای تاکتیکی مردم را بدست آورد دیگر نمیتوانستند با تقلب کنارش بگذرانند. مساله تنها اعتراض و نارضائیتی باندهای دیگر نبود، این را بهر حال به نحوی میتوانستند کنترل کنند، مسله اساسی این بود که چنین تقلب آشکاری میتوانست چاشنی "فتنه بزرگ" ای باشد که همه باندهای حکومتی از مدتها قبل

آقدر انسجام و قدرت نداشت که حتی صفوف خود را جمع و جور کند. با فیلتر شورای نگهبان مشائی و رفسنجانی را کنار گذاشتند اما نتوانستند کاندید واحدی را در برابر باندهای مخالفشان بمیدان بفرستند. این ضعف اصولگرایان البته به معنی دست بالا داشتن جناح باصلاح اصلاح طلب هم نبود. اصلاح طلبان را به جرم مسئولین فتنه ۸۸ و ایادی اسرائیل و آمریکا و غیره، در انتخابات راه ندادند و آنها هم کاملا تمکین کردند. این شرایط وضعیت را برای عرض اندام مجدد رفسنجانی که از نظر جناحی یک پایش در باند خامنه ای است و پای دیگرش در جناح دوحردادها، فراهم کرد. روحانی بعد از رد صلاحیت رفسنجانی توانست روی همان خط او یعنی "اعتدال" و "اصولگرایی میانه" حساب خود را از بقیه کاندیداها جدا کند و رفسنجانی و حمایت اصلاح طلبان جا مانده از انتخابات را نیز با خود داشته باشد. به نظر من از نقطه نظر جناحبندها و توازن قوای میان دار و دسته های حکومتی، از صندوق بیرون آمدن روحانی را میتوان پیشروی و تفوق خط رفسنجانی بر گرایشهای دیگر دانست. اما از نقطه نظر مردم و رابطه میان مردم و حکومت انتخاب روحانی همانطور که اشاره کردم به معنی بچالش کشیده شدن کل حکومت و باز شدن فضای بیشتر برای اعتراض و مبارزه و به عقب راندن حکومت است.

انترناسیونال: پیش بینی هایی که قبل از برگزاری انتخابات از طرف مفسران گوناگون ارائه میشد، حاکی از این بود که این "انتخابات" از قبل مهندسی شده

خلاف انتخاباتها در رژیمهای متعارفتری نظیر کشورهای غربی و یا ترکیه و هندوستان نمیتواند مانند ابزاری برای تخلیه خشم و نارضائی مردم از حزب و یا رئیس جمهور حاکم و ایجاد توهم نسبت به دولت و رئیس جمهور جدید عمل کند، آنطور که مثلا در انگلیس و فرانسه و آمریکا شاهد هستیم. در جمهوری اسلامی نتیجه انتخابات هر چه باشد مردم خود را با ولی فقیه که سر نخ همه سیاستها را در دست دارد روبرو میبینند و بهمین دلیل همیشه، لاقلا از دوره خاتمی تا امروز، تلاششان این بوده است که در هر انتخاباتی ولی فقیه و به این اعتبار کل نظام را به عقب برانند و ضعیف تر کنند. موضع احزاب و نیروهای ملی - اسلامی و کلا اپوزیسیونی که مردم را به انتخابات دعوت میکنند درست عکس این گرایش و عملکرد توده مردم است. هدف این نیروها مشروعیت دادن به نظام و تشبیت آن است.

انترناسیونال: آیا نتیجه این انتخابات را می توان به معنی تغییری در موازنه قوا بین جناحهای رژیم ارزیابی کرد؟ بردگان و بازندگان این انتخابات چه کسانی هستند؟

حمید تقوایی: فکر کنم هر ناظر سیاسی اوضاع ایران به شما پاسخ خواهد داد که بازنده این انتخابات خامنه ای و جناح اصولگرا یعنی جناح مسلط حکومتی بود. جناح اصولگرا

**حتی اگر صندوقسازی و تقلبی صورت نگیرد و حتی اگر اکثریت مردم هم در آن شرکت کنند. چنین مضحکه ای را انتخابات قلمداد کردن توهین به شعور مردم است**

## انتخاب روحانی و پیامدهای آن

از صفحه ۲

در مورد آن بیکدیگر هشدار داده بودند. این عقب نشینی بخاطر نزدیک شدن خامنه ای به خواست مردم نبود، بلکه بدلیل هراس او از شورش مردم بود.

انترناسیونال: یک بحث مهم در رسانه های خارج از ایران این است که با روی کار آمدن حسن روحانی، سیاست هسته ای جمهوری اسلامی تغییر می کند و امکان سازش با آمریکا با غرب بیشتر شده و در نتیجه تحریم ها برطرف می شود. این تصویر تا چه حد واقعی است؟

حمید تقوائی: به نظر من مساله رابطه جمهوری اسلامی با غرب یک امر تاکتیکی و صرفا مربوط به سیاست خارجی نیست که با عوض شدن رئیس جمهور تغییر پیدا کند. ممکن است دولت روحانی لحن ملایمتری را در رابطه با غرب بکار ببرد و دولت های غربی هم با هدف تقویت "خط اعتدال" در تحریمها تخفیف بدهند اما رابطه جمهوری اسلامی با غرب عادی و متعارف نخواهد شد. مساله غرب ستیزی - و بخصوص ضد آمریکائیگری - برای حکومت یک مساله هویتی است و به بود و نبود این نظام گره خورده است. هر درجه دور شدن از این سیاست و نزدیکی به غرب به تضعیف موقعیت داخلی حکومت و تعرض شدید تر مردم برای بزیر کشیدن آن منجر خواهد شد و این را دست اندرکاران حکومت بخوبی میدانند. مساله قبل از اینکه در مورد سیاست هسته ای جمهوری اسلامی باشد بر سر اسلام ضد غربی و جایگاه جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی است. اگر

این را از جمهوری اسلامی بگیرد چیزی از این رژیم باقی نماند.

انترناسیونال: حسن روحانی پس از برگزیده شدن قول هایی در مورد بهبود وضعیت اقتصادی مردم و مقابله با فقر داده است. آیا می توان امیدي به بهبود وضعیت زندگی مردم داشت؟

حمید تقوائی: از نظر اقتصادی روحانی تا آنجا که مواضعش را اعلام کرده است همان سیاستهای زمان رفسنجانی

از دید کارگران و توده مردم مساله اقتصاد ایران یعنی مساله فقر و قلاکت و بیکاری و بی تامینی و دستمزدهای چندین مرتبه زیر خط فقر در برابر سلطه يك حکومت چپاولگر تا مغز استخوان فاسد و باندهای مافیائی اقتصادی با زدیهای چندین میلیارد دلاری. این وضعیت را با سیاست "تشویق به سرمایه گذاری" و وعده اضافه دستمزد چهل درصدی و شفافسازی پروژه هسته ای و غیره نمیتوان تغییر داد. کلید حل مساله سرنگون کردن جمهوری

احمدی نژاد علیه وی، نه تنها در انظار جامعه در ایران و در سطح بین المللی کاملاً رسوا و مفتضح شد، بلکه در میان خود صفوف حکومت هم حیثیت و اتوریته اش را تا حد زیادی از دست داد. حاصل این امر تشدید اختلافات درون حکومتی و افشاگریهای بیسابقه باندهای حکومتی علیه یکدیگر در چهار سال گذشته بود. انتخاب روحانی حلال این مشکل نیست بلکه فاکتور تازه ای در جهت تشدید این کشمکشها و بهم ریختگیها در درون حکومت است. تشکر روحانی از رفسنجانی و

حالا با تغییر رئیس جمهور ناگزیر به تغییر در سیاستهایمان باشیم. برای ما نیز، مانند توده مردم معترض و سرنگونی طلب، مضحکه انتخاباتی و فضای سیاسی که در حین و بدنبال آن ایجاد میشود تنها بعنوان شرایطی برای تقویت هر چه بیشتر صف انقلاب و مبارزه برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی اهمیت دارد. ما در برابر مضحکه انتخابات، و در برابر هر نوع سیاست و تلاشی برای حفظ نظام ضد انسانی موجود، افق انقلاب و بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و

## ما در برابر مضحکه انتخابات، و در برابر هر نوع سیاست و تلاشی برای حفظ نظام ضد انسانی موجود، افق انقلاب و بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری که این رژیم پاسدار آنست را نمایندگی میکنیم.

را نمایندگی میکنند. یعنی سیاست موسوم به "بازگشائی اقتصادی" و "مدل چینی" - به معنی حکومت ایدئولوژیک اسلامی بعلاوه سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی بانک جهانی. این سیاست در همان زمان ریاست جمهوری رفسنجانی شکست خورد و بجائی نرسید. و امروز هم به طریق اولی قادر به حل بحران و بن بست اقتصادی جمهوری اسلامی - که بمراتب شدیدتر و وخیم تر از دوره بعد از جنگ با عراق است - نخواهد بود.

ما بارها این واقعیت را توضیح داده ایم که چرا بحران اقتصادی جمهوری اسلامی وجهی از بحران سیاسی و ساختاری این حکومت است و این رژیم قادر به متعارف کردن سرمایه داری در ایران نیست. من لزومی نمی بینم در اینجا توضیح بیشتر بدهم و کلاً فکر نمیکنم نیازی هم به تحلیل و توضیح چندانی باشد.

اسلامی است.

انترناسیونال: گروههای مختلف داخل حکومت و اصلاح طلبان صحبت از بوجود آمدن همگرایی و وحدت درون نظام می کنند. بنظر شما این امر تا چه حد امکانپذیر است؟

حمید تقوائی: اینها دارند آرزوهایشان را بیان میکنند. به نظر من بعد از این انتخابات اختلافات و شکافهای درون حکومت بیشتر خواهد شد. خامنه ای موقعیتش بیشتر تضعیف میشود و خط اصولگرا بهم ریخته تر میشود. این را حتی بخشهایی از اصولگرایان نیز اعتراف میکنند.

سیر نزولی ولی فقیه از سال ۸۸ رو به شتاب گذاشت. خامنه ای با حمایت صریح و آشکارش از احمدی نژاد که بهانه ای برای بخیبان ریختن توده های میلیونی مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور شد و سپس مقابله و لگدپرانیهایی

خاتمی در اولین پیامش بعد از انتخاب شدن، یعنی تشکر از کسانی که کیهان شریعتمداری يك هفته قبل از پایان انتخابات آنرا "سران و همدستان فتنه ۸۸" نامید و به همدستی با آمریکا و اسرائیل متهم کرده بود، نشان میدهد که دعوا تازه شروع شده است. سالی که نکوست از بهارش پیداست. انترناسیونال: با توجه به پاسخهای دو سوال قبل فراخوان شما به مردم چیست؟ و حزب چه فعالیتهایی را برای روزها و ماههای آینده در دستور کار خود دارد؟

حمید تقوائی: روشن است که انتخابات برای ما پدیده ای نیست که تغییر خط سیاسی حزب را ایجاد کند. مبارزه ما با جمهوری اسلامی و برای بزیر کشیدن این نظام بقدرت انقلاب از دوره احمدی نژاد شروع نشده و کلاً ناشی از ریاست جمهوری این یا آن فرد یا باند حکومتی نیست که

نظام سرمایه داری که این رژیم پاسدار آنست را نمایندگی میکنیم. ما پیگیرانه این سیاست را دنبال میکنیم و معتقدیم تحول اخیر بدلالی که توضیح دادم شرایط مساعدتری را برای گسترش و تعمیق مبارزات مردم فراهم آورده است. اما مستقل از این باز شدن فضای مبارزاتی تا آنجا که به پایه های بحران حکومت اسلامی، مسائل و مصائب گریبانگیر توده مردم و زمینه های شکلگیری مبارزات و اعتراضات مربوط میشود روندها و سیمای سیاسی عمومی جامعه تغییری نکرده است. در سطح مشخص تری خطوط اصلی سیاست ما در تدارک اجتماعی انقلاب در قطعنامه مصوب آخرین پلنوم حزب اعلام شده که در مصاحبه شماره قبل همین نشریه در این مورد توضیح داده ام و خواننده علاقمند را به آن نوشته رجوع میدهم.\*

# سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره نتایج انتخابات ۹۲

مبارزه در عرصه های مختلف، دوره به میدان آمدن گسترده تر طبقه کارگر، مردم محروم و بجان آمده و جوانان حق طلبی است که برای تحقق خواست های خود راهی جز کشیده شدن به مبارزه وسیع سیاسی در مقابل کل نظام اسلامی نخواهند داشت. حزب کمونیست کارگری، کارگران، زنان و جوانان و کلیه مردم را به متحد شدن حول خواست های عادلانه و آزادیخواهانه خود و گردآمدن به دور حزب انقلابی خود، حزب کمونیست کارگری برای برپاداشتن انقلاب برای رهایی از شر حکومت اسلامی و نظام نابرابر و غیر انسانی سرمایه داری فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ خرداد ۱۳۹۲  
۱۶ ژوئن ۲۰۱۳

اقتصاد، از این انتخابات ضعیف تر بیرون آمده است و بعد از این انتخابات کذائی شکافها و تناقضات حکومت، زیر فشار اعتراضات و خشم مردم بیش از قبل سر باز خواهد کرد. مسائل اساسی جامعه ایران و بویژه فقر و فلاکت و گرسنگی از یکسو و سرکوب و خفقان و زندان و اعدام از سوی دیگر تبلیغات و لاطانات پسا انتخاباتی رژیم را بسرعت کنار خواهد زد و مواجهه گسترده مردم و جمهوری اسلامی با شدت بیشتری به جریان خواهد افتاد.

خواست مبرم مردم ایران خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی با تمام قوانین و سنتها و نهادهای آنست. این حکومت هر تکانی که در هر سمت به خود بدهد، شبح خیزش و جنبش مردم را قدرتمندتر رودرروی خویش می بیند. دوره ای که در پیش داریم دوره تعمیق و گسترش اعتراض و

معدودی گوش بفرمان ترین نوکران ولایت از فیلتر شورای نگهبانش میگذرند. نه فقط احزاب و نیروهای سیاسی مخالف و یا ناباوران به مذهب و خرافه حضرات اصولا به حساب نمی آیند، نه فقط نیمی از جمعیت به جرم زن بودن حق کاندید شدن ندارند، بلکه حتی سرسپرده ترین جلادان و سازندگان جمهوری اسلامی نظیر رفسنجانی هم به دلیل زاویه داشتن با ولایت و بیت مربوطه "رد صلاحیت" میشوند.

انتخابات ۹۲ نه فقط نفرت و بیزاری مردم از رژیم و بی آبرویی جهانی جمهوری اسلامی که همچنین عمق اختلافات و تشتت درونی نظام اسلامی حاکم را عیان تر از هر زمان به نمایش گذارد. با توجه به این مولفه های اصلی بی تردید میتوان گفت که رژیم اسلامی در مواجهه با تناقضات و بن بست های سیاست خارجی و

در این تردیدی نیست که چه آن میلیونها نفری که رای ندادند و هر جا توانستند صدای اعتراض خود را بلند کردند، چه آن زنان و مردان جوانی که انتخابات رژیم را علیرغم همه بگیر و ببندها به فرصتی برای اعتراضات خیابانی و فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد و به چالش کشیدن حجاب و آپارتاید جنسی و سایر ارزش های اسلامی و ارتجاعی تبدیل کردند و چه آنها که با رای خود کوشیدند شکافهای درون حکومت را تعمیق کنند، در واقع عزم کل مردم را برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی و همه جناحهایش منعکس نمودند.

انتخابات ۹۲ کوس رسوایی قلابی بودن انتخابات در جمهوری اسلامی را بلندتر از هر وقت دیگر در سطح جهان به صدا درآورد. همه دنیا دید که چگونه این نمایشی است که تنها شمار بسیار

مضحکه ای که در جمهوری اسلامی انتخابات نام دارد پایان یافت و حسن روحانی مقام با سابقه نظامی امنیتی رژیم بعنوان رئیس جمهور از صندوق بیرون آمد. خامنه ای آنرا "حماسه سیاسی" نامید. رفسنجانی مهر "دمکراسی خدشه ناپذیر" بر آن کوبید. بی بی سی گفت این "چیرگی عقلگرایی بر آرمانگرایی" است. اصلاح طلبان خارج از حکومت آنرا "امید بخش" و "کاهش شکاف مردم و حکومت" قلمداد کردند. اما تا آنجا که این مضحکه جنبه جدی داشت قبل از هرچیز نشانه دیگری از نفرت و اعتراض وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی بود.

هیاهو و ادعای پوچ "شرکت حماسی مردم" را باید بحساب آخرین تلاشهای "مهندسی انتخابات" رژیم گذاشت اما تعداد واقعی رای دهندگان هر چه باشد

### کانال جدید ۲۴ ساعته میشود

کانال جدید بزودی برنامه های ۲۴ ساعته خود را از کانال "نگاه شما" در شبکه هاتبرد شروع میکند. برنامه های آزمایشی ما از روز ۹ خرداد (۳۰ مه) از این کانال پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰  
پولاریزاسیون: عمودی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰  
۳/۴:FEC

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

یادآوری میکنیم که برنامه های کانال جدید در شبکه کورد کانال همچنان تا روز ۳۰ خرداد امسال (۲۰ ژوئن) ادامه خواهد داشت.

**کانال جدید**

۷ خرداد ۱۳۹۲، ۲۸ مه ۲۰۱۳

## کنگره جهانی علیه اعدام در مادرید

روز آخر کنفرانس ضمن اینکه در یک جلسه عمومی تعدادی از نمایندگان دولتها، نماینده اتحادیه اروپا و ناوی پیلاوی مسئول حقوق بشر سازمان ملل و تعداد دیگری سخنرانی کردند، ما همه به یک راهپیمایی در مرکز شهر مادرید دست زدیم که بسیار جالب بود. صدها نفر دستکشهایی قرمز در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود نه به اعدام و در جلوی صف یک طناب دار توسط تعدادی حمل میشد و در مقابل آن شعار نه به اعدام و ممنوعیت اعدام داده میشد. ما مسیری را طی کردیم که مورد توجه زیادی قرار گرفت.

کنگره جهانی علیه اعدام یک امکان و فرصت مهم است که میتوان برای ممنوعیت اعدام در همه جا از آن بهره جست، جهت گیریها و تاثیرات این کنگره موضوعی است که باید به آن پرداخت. در نوشته های دیگری سعی خواهم کرد به مضمون این کنفرانس و نقاط ضعف و قوت آن بپردازم.\*

سخنران داشت. در بخش پرسش و پاسخ، من در مورد این نامه ها و اینکه زندانیان و محکومین به اعدام خواهان اعتراض بین المللی به اعدامها در ایران هستند حرف زدم و با عطف توجه به کمپین جهانی دفاع از سکینه محمدی آشتیانی در پیش گرفتن این الگو را برای مقباله با اعدام مورد تاکید قرار دادم.

ما در این کنگره از تعدادی از دوستان خواستیم به زبان خودشان پیام همبستگی به زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام بدهند که لینک برخی از این پیام ها در اینجا است:

[https://docs.google.com/file/d/0B\\_I9Va3imtL\\_azYyMk12RG53bEE/edit](https://docs.google.com/file/d/0B_I9Va3imtL_azYyMk12RG53bEE/edit)

در این کنگره تعداد زیادی از کشورهای عرب زبان حضور داشتند. از مصر و مراکش و عراق و فلسطین و .... فعالین علیه اعدام در طول این کنگره یک ائتلاف کشورهای عرب زبان علیه اعدام تشکیل دادند که یک اقدام مهم بشمار می رود.

احمد شهید و همچنین میزگردی در مورد اعدام کودکان با حضور یک وکیل زن ایرانی و میزگرد در مورد مواد مخدر و معضل اعدام با حضور یک فعال سیاسی از ایران بود. البته همه مباحثات مربوط به جنبه های مختلف معضل اعدام به ایران هم مربوط میشد و تا جایی که امکان بود، ما در این مباحثات شرکت و دخالت میکردیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام دو هفته به برگزاری کنگره مانده بود که تصمیم گرفت علیرغم نداشتن سخنران در این پانلها در کنگره شرکت کند و اینرا علنی اعلام کرد. به محض پخش خبر حضور یک هیئت از طرف کمیته علیه اعدام از چهار زندان ایران با ما تماس گرفتند و نامه و خواستهایی را مطرح کردند که در آنجا به گوش همگان برسانیم. نامه هایی از زندان های رجایی شهر، تبریز، قزل حصار و اهواز که از طرف جمع زیادی از زندانیان و محکومین به اعدام به دست ما رسیده بود و ما این نامه ها را در بین صدها نفر حاضرین در کنفرانس پخش کردیم و همچنین به دست احمد شهید رساندیم.

میزگرد مربوط به ایران چهار



### مینا احدی

کشور جهان ۶۸۲ نفر اعدام شده اند که تازه گفته اند بدلیل ناروشن بودن اعدامها در برخی کشورها و از جمله چین و ایران آمار تکمیل نیست. پس ما رفته ایم در مورد یک معضل و یک زخم و یک لکه ننگ بر دامن بشریت حرف بزنیم و راه حل پیدا کنیم. برای من این کنگره بسیار مهم بود.

در طول دو روز در این کنگره میزگردها و جلسات متعددی برگزار شد، میزهای اطلاعاتی در قسمتی از برنامه این کنفرانس بود و تبادل نظر و ارتباط گرفتن فعالین با همدیگر از جمله نکات مثبت این کنفرانس بود.

در طول دو روز از جمله میزگردهای مربوط به ایران، شامل یک میزگرد در روز اول با حضور

از ۱۲ تا ۱۵ ژوئن در مادرید کنگره جهانی علیه اعدام برگزار شد. ۱۵۰۰ نفر از ۹۰ کشور جهان در آن حضور داشتند. دو روز جلسات فشرده و در نهایت روز شنبه با یک راهپیمایی بزرگ در مرکز شهر مادرید کنگره به پایان رسید. این کنگره از سوی ائتلاف جهانی علیه اعدام سازمان یافته بود و دولتهای اسپانیا، فرانسه، نروژ و سویس آنرا حمایت کرده بودند. اکنون در ۹۷ کشور جهان اعدام وجود ندارد در ۵۸ کشور جهان اعدام میکنند و در ۳۵ کشور برای ده سال اعدام را متوقف کرده اند. طبق آمار این کنگره در سال ۲۰۱۳ در ۲۱



## زنان ایران و رئیس جمهور جدید

### زهرة صفایی

جمهوری اسلامی از همان اولین روزهای حاکمیتش مشغول محو زنان به عنوان نیمی از جامعه و نقش و تاثیرشان به عنوان یک انسان بوده است. در دوران سلطه رژیم اسلامی حق و حقوق زن در خانواده، جامعه، سیاست، اقتصاد... سلب شده است و هر جا که دستشان رسیده است و با هر شیوه ای که به مغز بیمار و جنایتکارشان خطور کرده است و بخشا تحت عناوین فرهنگی و البته با سرکوب و اعمال زور تلاش کرده اند زنان را زیر تحقیر و توهین و ستم دائمی قرار دهند.

هر زنی که در جمهوری اسلامی زندگی کرده باشد خوب می داند از چه چیزی صحبت می کنم. خوب می داند نداشتن حق انتخاب نوع زندگی، پوشش، روابط برابر، فعالیت و... یعنی چه! او تمام بی حرمتیهایی را که در طول تمام این سالها بر او روا شده، خوب می شناسد و آنها را با گوشت و پوست در زندگی روزانه اش تجربه کرده و درد کشیده است! از هر زنی سوال کنی که درباره ی خودت چه فکر می کنی؟ اولین جوابش این است که "ای کاش زن بدنی نمی آمدم" و وقتی دلیلش را جویا می شوی هر کدام درباره کوهی از بی حقوقیها و بی حرمتیها برایت چندین کتاب حرف دارند.

این کتاب های نانوخته صرفا محدود به بدبختیهای هر روزه یک زن که نمی تواند آزادانه حرف بزند، بخندد، راه برود، بدود، لباس بپوشد، عاشق شود و عشق بورزد، کار کند، در رشته ی مورد علاقه اش تحصیل کند، ورزش کند، بخواند، برقصد و شادی کند، نیست. صرفا محدود به حقوقی پایه ای چون داشتن حق طلاق و

حضانت فرزندان، انتخاب شکل رابطه اش، حق برابر با مردم، حق اینکه آزادانه سفر برود و یا حتی ورزش مورد علاقه اش را در استادیوم ببیند، نیست. سطرهای این کتاب ها شرح تلاشها و مبارزات هر روزه برای رسیدن به این خواسته ها و ابتدائی ترین حقوق هر انسان در هر جامعه ای، است. و همین تلاشها و مبارزات بوده که جمهوری اسلامی را وادار کرده عملا با هر تعرضی در واقع یک قدم به عقب بگذارد تا جایی که رئیس جمهور جدیدش مجبور می شود یکی از وعده های تبلیغاتیاش را تاسیس وزارت زنان عنوان کند. نخواستنها و اعتراضات زنان دیگر آنها را به عقب رانده است.

جانیان اسلامی پس از قدرت گیری دست به سرکوب زنان زدند، اما اکنون می بینند که با انقلابی زنانه به چالش کشیده میشوند. بیش از ۳۴ سال تقلا کردند تا با پونز و اسید پاشی و گشت ارشاد حجاب بر سر زنان کنند، اما فریاد و فغانشان از بدحجابی و حتی بی حجابی به آسمان بلند است. زن و مرد را از هم جدا می کنند، حتی امر می کنند که آشپزخانه ها نباید اوپن باشد و خانه باید بخش بیرونی و اندرونی داشته باشد، اما می بینند که در هر فرصتی زن و مرد دست در دست هم در خیابانها شادی و پایکوبی می کنند و در پارکها آب بازی به راه می اندازند. قانون ضد زن "خانواده" در مجلس تصویب می کنند و فرمایش از بی آبرویی "به کی بود کی بود من نبودم" می افتند. لباس زنانه به تن مردان می کنند تا آنها و زنان را تحقیر و تنبیه کنند اما بلافاصله به غلط کردن می افتند. دانشگاه تک جنسیتی تاسیس می کنند و برای جدا کردن دختران و پسران در محیط دانشگاه ها دیوار و چادر می کشند، اما با تحصن و

اعتراض دانشجوی روبرو می شوند. ورزشگاه ها را مردانه و ورود زنان را ممنوع می کنند، اما هزاران زن و مرد جلوی درب استادیوم جمع می شوند و پلاکارد "اگر خواهرم راهی به آزادی ندارد، برآزادی پشت خواهرم کرد" بلند می کنند و شعار می دهند: "استادیوم خالی، مایه شرمساریه". با فقر و فلاکت و بیکاری که به جامعه تحمیل کرده اند و در محیط های کاری زنان خیلی بیشتر از مردان مورد بی حقوقی و اذیت و آزار و تحقیر قرار دارند، اما باز هم نمی توانند مانع حضور زنان در عرصه های علمی و اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی شوند.

با این بلاهایی که رژیم اسلامی بر سر زنان می آورد و این همه مقاومت و مبارزه ی زنان، وزارت زنان آقای روحانی قرار است چه غلطی بکند؟

پاسخ "وزارت زنان" به زنانی که بر اساس قوانین اسلامی نیمه انسان و حتی کالا بشمار می آیند، چیست؟ چه پاسخی دارند به میلیونها زنانی که دائما مورد آزار و اذیت شوهران، پدران و برادرانشان قرار می گیرند؟ برای زنان تن فروش، زنانی که زیر فشار فقر تبدیل به بردگی جنسی شده اند، چه پاسخی دارند؟ به انبوه زنانی که در کارگاههای کوچکی و حشیانه است شمار میشوند و حتی مشمول قوانین ارتجاعی "کار" جمهوری اسلامی هم نمی شوند، چه می گویند؟ به میلیونها زنی که بر اساس قوانین اسلامی حق طلاق ندارند و دائما مورد آزار و تجاوز شرعی قرار می گیرند، چه توصیه ای دارند؟ برای زنانی که بر اساس قوانین حق سرپرستی فرزندان خود و یا حتی اجازه مسافرت ندارند، چه راه حلی دارند؟

روشن است که کار این وزارتخانه چیزی جز ادامه کار

خواهر زینب ها و نهادینه کردن بیشتر آپارتاید جنسی در جامعه نیست. برنامه ی در دستور کار این وزارتخانه نیز چیز جز به راه انداختن هر چه بیشتر مکتب خانه های قرآنی و دعوت زنان به صبر و تحمل و پاداش آخرت و خرافات و جهالتهایی از این قبیل نمی تواند

باشد. احمیانا کلاس های قلاب بافی و گلدوزی هم راه می اندازند تا به جایگاه زنان در خانه و در کنج آشپزخانه ها تاکید بیشتر داشته باشد. بخش بسیج زنان این وزارتخانه نیز شبانه روزی فعالیت خود را خواهد کرد تا هر خواست و هر حق طلبی زنان را سرکوب کند و هر وقت هم که نیاز داشتند یگان ویژه را هم بخدمت خواهند گرفت. تمام تلاششان نیز این خواهد بود تا جداسازی جنسی را بیشتر به اجرا بگذارند و استادیوم، دانشگاه، اتوبوس و... زنانه درست کنند. اما تاسیس وزرات زنان هم نمی تواند مانع زیر پا گذاشتن قوانین ضد زن یعنی یکی از میبانی پایه ای و هویتی این حکومت شود.

واقعا حسن روحانی چه جوابی به یک دنیا اعتراض و یک دنیا خواسته ی زنان ایران دارد؟ به زنانی که در همین اتفاقات هفته اخیر، حجاب برداشتند، همراه با مردان رقصیدند و شادی کردند و تمام قوانین ارتجاعی اسلامی تان را زیر پا له کردند، و به جامعه ای که سی و چند سال است که در برابر او و حکومتش ایستاده است، چه دارد بگوید؟ اولین مانع در مقابل خواسته های آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان، جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی و وحشیانه آن است که رئیس جمهور جدید هم بخشی از آن بشمار می رود. برداشتن این مانع کار خود زنان و همه مردم شریف و آزادیخواه ایران است.\*

**تلفن تماس با حزب در خارج از کشور**

**اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج**  
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

**تلفن تماس با حزب از ایران**  
**شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده**  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

**آدرس پستی:**

**I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen - Sweden**

## پژواک قدرت جنبش‌رهای زن در صفوف حکومت



شلا دانشفر

انتخابات کذایی جمهوری اسلامی تمام شد اما مرور برخی اظهارات کاندیدهای حکومت حقایق مهمی را نشان میدهد. در این گفت‌وگوها می‌بینیم که چگونه فشار جامعه و مبارزات مردم موضوعاتی چون گرانی، تورم، زنان و جوانان و خواسته‌هایشان را بالا بیاورد بحث‌ها و مناظرات نمایشی‌شان، وارد کرده بود. اما در همه این مباحث یک موضوع برجستگی ویژه ای داشت، آنهم وحشت از "فتنه زنان" و در عین حال جایگاه جنبش‌رهای زن در سیر تحولات سیاسی ایران بود.

یک موضوع جنجالی در شروع ماجرای بازار انتخاباتی رژیم، بحث بر سر نامزدی زنان و اظهارات بی‌شمارانه و توهین آمیز محمدی یزدی رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از فقهای شورای نگهبان جمهوری اسلامی بود. او در پاسخ در برخورد به مساله کاندید شدن زنان برای رییس جمهوری، جوهر و اساس ارتجاع کثیف اسلامی و آپارتاید جنسی حکومت را بیان کرد و گفت: "کسی می‌خواست وارد روستایی شود، اصلاً راهش نمی‌دادند، اما می‌گفت خانه کدخدا کجاست!"

این موضوع با موجی از اعتراض در میان مردم و حتی از جانب خواهرزینب‌های حکومتی‌شان روبرو شد. فوراً شورای نگهبان که کل داستان تقلب و مهندسی کردن

انتخابات در رژیم اسلامی و تبدیل آن به مضحکه کامل از آنجا شروع میشود، اعلام داشت کاندید شدن زنان در انتخابات آزاد است. بعداً دیدیم که دو زن از میان دارودسته رهبران کاندید شدند و وقتی هم از فیلتر شورای نگهبان رد نشدند و اسامی آنها از لیست خارج شد، معلوم شد که از حامیان سعید جلیلی یکی از نورچشمی‌های خامنه‌ای هستند. اما کل این بازی جدا از این‌که مضحکه بودن انتخابات رژیم را بیش از پیش مقابل همگان گذاشت، نشانگر ترس رژیم از جایگاه جنبش اعتراضی زنان در ایران است.

نمونه دیگر تلاش کل حاکمیت رژیم اسلامی برای از سرگذراندن مضحکه انتخاباتشان است. تا جائیکه حتی خامنه‌ای به اتماس افتاد و گفت حتی کسانی که مخالف رژیم اسلامی هستند لازمست در این "حماسه ملی" شرکت کنند. و در خارج کشور اجازه دادند که زنان بی‌حجاب نیز بتوانند رای دهند. این اظهارات به معنی نوشیدن جام زهری دیگر از سوی جنایتکاران رژیم اسلامی و ولی فقیه‌شان است.

صحنه دیگری از همین دست به راه افتادن مباحثی در جریان مناظرات "انتخاباتی" تحت عنوان زنان و خانواده است. اظهارات حسن روحانی کسی که به هر دلیلی اسمش از صندوق انتخابات بیرون آمده، رئیس جمهور اسلامی شده و جانی تازه به ورشکستگان "اصلاح طلب و میانه‌رو" و غیره داده، شنیدنی است. اظهارات او بطور واقعی بیان شکست کل حکومت رژیم اسلامی در مقابل جنبش‌های زن است. روحانی می‌گوید: "فرهنگ دنیای وسیعی دارد. در زمینه فرهنگی، بگیر و ببندها جای پای نباید داشته باشد. دنیای فرهنگ، ساز و کار فرهنگی دارد. باید در دنیای فرهنگ، مسائل را از طریق فرهنگی و با ابزار فرهنگی حل کنیم؛ نمی‌شود با نیروی پلیس مشکلات فرهنگی را حل

کرد". و می‌افزاید: "کاری می‌کنم دختران احساس امنیت کنند. نخواهم گذاشت ماموری بی‌نام و نشان از کسی سوال کند. دختران جامعه خود حافظ حجاب و عفاف هستند". این حرف‌ها به چه معناست؟ کل این سی سال جنگ و جدال علیه آپارتاید جنسی حکومت را جلوی چشم بگذارید تا متوجه شوید که این حرف چه معنایی دارد. صرف همین که یکی از آخوندهای بالای حکومت که در تمام سرکوب‌ها از دوره خمینی تاکنون دست داشته و یکی از طراحان اصلی آنها بوده است، چنین سخن می‌گوید روشن است که اهمیت دارد. این اعتراف به شکست آشکار است. قبلاً یعنی در آغاز سال جاری احمدی مقدم رئیس نیروی انتظامی شان نیز به زبان دیگری همین را اعتراف کرده بود و گفته بود بگیر و ببند و زندان عملاً نتیجه‌ای ندارد.

حسن روحانی در اظهاراتش از رفع تبعیض جنسیتی و دخالت زنان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، از سهم زنان در برخی از مشاغل مدیریتی، از فرصت برابر زنان و مردان در رشد اجتماعی و توسعه، از خدمات بیمه تامین اجتماعی برای زنان و غیره سخن می‌گوید. او علیه تفکیک جنسیتی در رشته‌های تحصیلی در دانشگاه حرف می‌زند. از انتخاب آزاد اشتغال زنان می‌گوید. از تدوین لوایح حمایتی از زنان و طلاق از همسرانشان می‌گوید. در ادامه این اظهارات وقتی که به تطابق فقه اسلامی با اجرای همه این قوانین میرسد، کل ساختمانی که ساخته است روی سرش خراب میشود و چیزی جز همان آپارتاید جنسی رژیم اسلامی از آن باقی نمی‌ماند. او می‌گوید: "ما از حوزه‌های علمیه تقاضا می‌کنیم که به اصل زمان و مکان توجه بیشتری نکنند. ما نمی‌توانیم بگوییم که یک دختر ۹ ساله اگر جرمی مرتکب شد، باید مجازات شود، اما پسر ۱۴ ساله مجازات نشود. و همه حرفش اینست

که باید رابطه بین بلوغ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فکری با بلوغ عبادی مورد بازنگری قرار بگیرد. آخر سر هم تشکیل وزارت امور بانوان را به عنوان راهی برای بازگرداندن حقوق ضایع شده زنان به آنها اعلام میکند.

امروز بیش از ۳۴ سال است که جمهوری اسلامی سرکار است و

همه دیده‌اند می‌بینند و میدانند که تبعیض و تحقیر رسمی زنان و آپارتاید جنسی جزء جدایی‌ناپذیری از سیاست پایه‌ای این حکومت است و همه جناح‌هایش نیز در سرکوب زنان نقش فعال داشته‌اند. اینکه امروز رئیس جمهور جدید و یکی از آخوندهای قدیمی اینگونه در مورد سیاست‌های ضد زن حکومتش سخن می‌گوید، بیانگر قدرت ما مردم است که اینها را به غلط کردن انداخته‌ایم. همین نشان میدهد که میتوانیم کل این حکومت و سیاست‌هایش را به شکست کامل برسانیم. در این نباید ذره‌ای تردید کنیم.

هنوز یک هفته از پایان مضحکه انتخاباتشان نگذشته است، که می‌بینیم در جریان جشن "صعود" تیم فوتبالشان در میدان آزادی، اولین اطلاعیه‌شان اینست که "ورود بانوان ممنوع است". این موضوع خود موجی از اعتراض به راه انداخت و همان روز هزاران زن و مرد جلوی درب استادایوم آزادی جمع شدند و پلاکارد "اگر خواهیم راهی به آزادی ندارد برآزادی پشت خواهم کرد" بلند کردند و شعار "استادیوم خالی، مایه شرمساریه" را سر دادند. در این روز نیروهای گارد زرهی رژیم اسلامی تمام خیابانها را پر کرده بود که مبادا مردم معترض به خیابان بریزند. اما نتوانستند جلوی تظاهرات و اعتراضات را بگیرند. مردم و بویژه دختران و پسران



جوان در اعتراضات همین یک هفته اخیر خود و در روز بعد از مضحکه انتخابات ۲۴ خرداد و به بهانه جشن پیروزی تیم فوتبال ایران در تهران و در شهرهای بسیاری جواب همه این اراجیف را دادند و آب پاک‌ی بر روی دست کل حکومت اسلامی و روحانی و همه کسانی که به او دل خوش کردند را دادند. دختران و جوانان و هزاران نفر از مردم معترض در این هفته با جشن و شادی و با شعارهای، مرگ بر دیکتاتور، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، "توپ تانک فشفشه - این صدای جنبش"، "ندای ما نمرده این دولت است که مرده"، "آزادی اندیشه با ریشم و پشم نیشه" و با رقص و پایکوبی، پیام خود را به جمهوری اسلامی دادند. پیام خود را به خامنه‌ای که از شرکت مردم در "حماسه ملی" انتخابات سخن گفت دادند. از ویدئوهای رقص دختران و پسران با هم در خیابانها در مشهد و شیراز و شهرهای دیگر و کنار رفتن کامل حجاب‌ها، نشان دادند که جنبش‌رهای زن در این جامعه قدرتمند است و مصمم است این حکومت و آپارتاید جنسی اش را بطور کامل عقب براند. همه شواهد نشانگر تغییر توازن قوا به نفع مبارزات ما مردم و ما زنان معترض است. شرایطی که میتوان در آن سازمان یافت و با متحد شدن حول خواسته‌هایمان گام‌های محکمی رو به جلو برداریم.\*

## تصاویری از مراسم های ۲۰ ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی در کشورهای مختلف



کلن . آلمان



فرانکفورت آلمان



بایروت . آلمان



بوروس . سوئد



تورنتو . کانادا



اسلو . نروژ



## در سالروز ۳۰ خرداد



## از صفحات فیسبوک

سی خرداد ۱۳۶۰ در تاریخ بعنوان آغاز يك قتل عام وسیع و سازمانیافته، روز کودتای خونین علیه جامعه ای که برای آزادی، برابری و عدالت بپا خواسته بود، به ثبت رسیده است. در این روز رژیم اسلامی وحشیانه، به جان مردم افتاد و هر آنکس که اثر و نشانی از مخالفت و ضدیت با نظام کثیفش را داشت، به قتل رساند.

از کودک ۱۳-۱۲ ساله ای که يك ورق اعلامیه در جیبش بود تا نوجوانی که در جیبش نمک و فلفل کشف کرده بود همه را ضربتی پس از شکنجه های وحشیانه به قتل رساند.

هر روز چند صد نفر را کشتار می کرد و با افتخار خبر آنرا در روزی نامه هایش بچاپ می رسانید. در این دوره کودکان و جوانان بی شماری بی نام و نشان اعدام شدند و اجساد شان در گورهای دسته جمعی ریخته شد. معروف بود که حکام اسلامی يك خط تولید آدمکشی به راه انداخته بودند؛ چرا که وقت نداشتند که آنها را تک تک اعدام کنند. اجساد نیمه جان را به همراه جان باختگان در يك کامیون می ریختند و به بیابان ها می بردند. بسیاری زیر شکنجه های وحشیانه جان باختند و یا کنترل روحی و عصبی خویش را از دست دادند. سی خرداد ۶۰ آغاز يك نسل

کشی، آغاز حاکمیت وحشیانه اسلام بر میلیون ها انسان، روز تولد گورستان های "لعنت آباد" و خاوران است.

گورستان هایی که اکنون به محل تجمع بازماندگان این جان باختگان، محل ابراز انزجار و تنفر از این نظام سیاه و مکان اعتراض داغدیدگان توسط این حکومت جنایتکار است. این روز آغاز قتل عام بیش از صد هزار انسان است.

این روز در تاریخ به ثبت رسیده است؛ باید یاد آنرا زنده نگاه داشت و عاملینش را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد. تنها راه تسکین درد و رنج قلب های میلیون ها داغدیده، محاکمه عاملین و مسببین این جنایت کثیف است. این روز را باید زنده نگاه داشت تا مانع تکرار آن شویم. این روز را باید زنده نگاه داشت تا راه عدالت خواهی هموارتر شود. در این روز باید به اعتراض جمعی علیه این رژیم جنایتکار بلند شویم و با صدای رسا فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر دهیم. مرگ این نظام فرا رسیده است. دیر یا زود به زیرش خواهیم کشید و برای تمام جنایاتش سران و دست اندرکاران روزی برای زندانیان سیاسی در بند نام گذاری شده است و به طور جهانی در این روز آکسیونهای اعتراضی در کشورها و شهرهای زیادی بر گذار میگردد در این روز صدای زندانیان سیاسی و خانواده آنها باشیم و در این روز صدای ستارگان سرخ راه آزادی باشیم که عاشقانه جان باختند

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد آزادی!

## زندانیان خواهان رسیدگی فوری به موضوع اعدام و سنگسار و شکنجه در این زندان هستند!

### متن پیام جمعی از زندانیان سیاسی زندان تبریز به کنگره جهانی علیه اعدام

المللی به خصوص در دادگاه حقوق بشر اروپا و پذیرش فوری هیئت حقیقت یاب مستقل در خصوص اعدام، سنگسار، شکنجه و سایر جنایات ضد بشری را از تمامی مقامات بین المللی خواستاریم. جمعی از زندانیان زندان تبریز بیست و یکم خردادماه ۱۳۹۲ برابر با ۱۱ ژوئن ۲۰۱۳ فایل صوتی موجود است! بازتکثیر از کمیته بین المللی علیه اعدام

در راستای انجام وظایف قانونی و انسانی خود از تمامی امکانات سازمان ملل متحد و کشورهای عضو جهت رساندن فریاد مظلومانه و ستم دیده زندانیان تبریز که اغلب به علت دگر اندیشی با دسیسه و پرونده سازی در زندان هستند استفاده نموده و الزام مقامات قضایی دادگستری تبریز به رعایت موازین اولیه حقوق بشر از هر حیث ارجاع موضوع به مراجع ذیصلاح بین

زندانیان زندان تبریز خواهان اعزام کمیسیون حقیقت یاب به زندان تبریز شدند.

به کنگره جهانی علیه اعدام ما جمعی از زندانیان زندان تبریز بخصوص زندانیان سیاسی و عقیدتی از تمامی مقامات حقوق بشر مقام محترم احمد شهید گزارشگر انتخابی سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران و خانم ناوی پیلاوی کمیساریای عالی حقوق بشر و سایر مسئولین تقاضا داریم

## صدای زندانیان سیاسی عرب اهوازی محکوم به اعدام را از تریبون کنگره جهانی علیه اعدام به گوش جهانیان برسانید!

از زندان سیاسی عرب اهوازی محکوم به اعدام به نامهای محمد علی عموری و هاشم شعبانی از اعضای موسسه فرهنگی "الحوار" (Dialogue) خدمت شما ارسال می گردد. محمدعلی عموری و هاشم شعبانی به همراه هادی راشدی و دو برادر به نامهای سید جابر و سید مختار آلبوشوکه از فعالان سیاسی، مدنی و فرهنگی عرب اهوازی و اعضای موسسه فرهنگی الحوار هستند که هر پنج تن به اعدام محکوم شده اند. (در این نامه خلاصه ای از بیوگرافی محمدعلی عموری و هاشم شعبانی به همراه نمونه ای از اخباری که در مورد آنها منتشر شده، آمده است. انترناسیونال)

بعدی به اطلاع عموم خواهیم رساند. کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۷ ژوئن ۲۰۱۳ ----- سرکار عالییه محترمه، خانم مینا احدی با سلام و درود فراوان به شما و همکارانتان در کمیته بین المللی علیه اعدام، با اظهار احترامات فائقه حضورتان بدینوسیله از سرکار عالییه مصرانه تقاضا می شود صدای زندانیان سیاسی عرب اهوازی محکوم به اعدام را از تریبون کنگره جهانی علیه اعدام بین المللی برسانید. به پیوست این مکاتبه، ترجمه فارسی نامه های سرکشاده دو تن

این متن پیامی است که در اولین روز آغاز کنگره جهانی علیه اعدام به دست ما رسید. زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام از زندان اهواز خواهان طرح مشکلات خود در کنگره جهانی علیه اعدام هستند. اینرا در يك نامه به مینا احدی اعلام کرده اند. برای ما جای بسی افتخار است که از چندین زندان و از طرف دهها فعال سیاسی و همچنین محکومین به اعدام، از ما خواسته شده بود که صدای آنها را در کنگره جهانی منعکس کنیم. ما این کار را کردیم. گزارش فعالیتهای هیئت شرکت کننده از کمیته بین المللی علیه اعدام در کنگره جهانی علیه اعدام در شهر مادرید در اسپانیا در روزهای ۱۲ تا ۱۵ ژوئن را در اطلاعیه های

## خیابانهای برزیل در اشغال مردم

مقابل اعتراضات میلیونی مردم عقب نشینی کرده و قیمت های حمل و نقل عمومی را به حالت اول برگردانده ولی مردم خیابانها را خالی نکرده اند. آنها فشار بحران عمیق و روزافزون اقتصادی و ناتوانی سرمایه داری از حل این بحران را با تمام وجود خود احساس می کنند و حاضر نیستند به شرایط موجود رضایت دهند.\*

اعتراضات در برزیل همچنان ادامه دارد. افزایش قیمت بلیط اتوبوس و هزینه حمل و نقل عمومی جرعه ای بود به انبار باروت. صدها هزار از مردم برزیل به خیابانها ریختند و خواستار خدمات درمانی و بهداشتی، آموزش، امنیت و پایان دادن به فساد مالی و اداری شدند. مردم نمی خواهند بار سنگین هزینه های میلیاردی جام جهانی فوتبال و دزدی های کلان ناشی از آن را بدوش خود بگیرند. دولت در

## زنان ترکیه علیه قوانین اسلامی!

اسلامی به جامعه نشان دادند. اینها معروف ترین عکس هایی است که از اعتراضات اخیر مردم ترکیه در رسانه ها منتشر شده است، در همه این عکس ها زنان در صف مقدم هستند. به همان دلیل که "ندا آقا سلطان" در ایران یک سمبل اعتراض مردم به حکومت اسلامی شد در ترکیه هم زنان سمبل مبارزه علیه قوانین اسلامی و حرکات مودیانه دولت اردوغان برای حلقه کردن قوانین اسلامی به جامعه اند.\*

اشغال کرد و صدها هزار نفر را علیه قوانین اسلامی و از جمله قوانین ضد زن که دولت اردوغان در تلاش تحمیل آنها به جامعه است، به خیابان آورد. اعتراض به قوانین ضد زن در ترکیه از حرکت اخیر مردم شروع نشده است، سال گذشته نیز تعدادی از زنان و عمدتاً اکتیویست ها در همین میدان تکسیم جمع شدند و حجاب اسلامی که دولت مبلغ آن است را زیر پا انداختند و در حرکتی سمبلیک مخالفت خود را با قانون حجاب و تلاش اردوغان برای تحمیل قوانین

### نازیلا صادقی

خیزش عظیم مردم ترکیه علیه دولت اسلام گرای حزب عدالت و توسعه و در راس آن دولت اردوغان به شکل های مختلف ادامه دارد. این جنبش علاوه بر شهرهای بزرگ ترکیه حتی به روستاها نیز کشیده شده است. یک جنبه مهم این اعتراض حضور پر قدرت زنان در آن است. این جنبش عظیم در اعتراض به خراب کردن یک پارک در مرکز شهر استانبول شروع شد اما به سرعت سرتاسر ترکیه را



### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!